

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

بیان احتمالات تفسیری آیه ی نفر

قبل از اینکه به نظریه مرحوم آخوند خراسانی و دیگر انظار پردازیم، احتمالاتی که از نظر تفسیری در آیه شریفه نفر وجود دارد را مناسب است بیان کنیم؛ و ببینیم اظهر این احتمالات کدام احتمال است. از نظر معنا باید به دو قسمت این آیه شریفه توجه کنیم؛ یعنی آیه را به دو بخش تقسیم کنیم. يك: صدر آیه شریفه است که می‌فرماید: (وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا ۚ كَافَّةً ۚ) [دو: قسمت بعدی آیه است که (فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا ۚ فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا ۚ قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ).

احتمالات موجود در قسمت اول آیه

نسبت به صدر آیه مجموعاً در کلمات مفسرین دو احتمال داده شده است. احتمال این است که گرچه «ما» در (وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا ۚ كَافَّةً ۚ) نافیه است، اما نفی در مقام نهی است. خداوند تبارک و تعالی نهی فرموده از اینکه مؤمنین بصورت جمیع و کافه نفر کنند. در این احتمال اول که شاید بسیاری از مفسرین همین احتمال را قائل شده‌اند، مراد از نفر، نفر الی الجهاد است. خداوند نفی می‌کند و نهی می‌فرماید از اینکه همه‌ی مؤمنین بروند و جهاد کنند. دلالت بر نهی از نفر عمومی به جهاد دارد. احتمال دوم که ضعیف‌تر از احتمال اول است، این است که بگوییم مراد از نفر، نفر برای طلب علم است؛ (وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا ۚ كَافَّةً ۚ) همه‌ی مؤمنین نباید بروند دنبال طلب علم. هم احتمال اول و هم احتمال دوم با شأن نزول‌هایی که در بحث دیروز عرض کردیم که این آیه دارای سه شأن نزول است، سازگاری دارد. در برخی از این شأن نزول‌ها آمده بود که همه مؤمنین رفتند برای جهاد و پیامبر در مدینه تنها ماندند؛ حال، آیه از چنین کاری نهی می‌کند. در برخی از شأن نزول‌ها هم این بود که مردم بادیه‌نشین همه‌شان آمدند مدینه برای تعلم و فراگیری علم، همه کار و زندگی خودشان را رها کردند، آمدند مدینه برای اینکه دین را یاد بگیرند و در مدینه هم ارزاق گران شد، مشکلات فراوانی به وجود آمد. آیه نازل شد که (وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا ۚ كَافَّةً ۚ) لازم نیست همه مؤمنین از شهر و دیارشان بلند شوند به مدینه برای طلب علم بیایند. پس در صدر آیه، در این که مراد نفر الی الجهاد است یا نفر الی المدینه للتعلم؟ این دو احتمال وجود دارد؛ و اکثر مفسرین احتمال اول را قائل شده‌اند که ما در نتیجه نهایی عرض می‌کنیم کدام يك از این دو احتمال اظهر از دیگری است.

احتمالات موجود در قسمت دوم آیه

اما عمده قسمت بعدی آیه شریفه است. (فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ). که «لولا» به معنای «هالا» است؛ هالای تحضیضیه و توبیخیه. در این قسمت آیه شریفه نیز مجموعاً سه احتمال داده می شود. - (این احتمالات را دقت بفرمایید که فرق میان این احتمالات روشن شود). **احتمال اول** این است که آیه توبیخ می کند چرا از هر قبیله ای در مدینه، طایفه ای کوچ نمی کنند. یعنی در این احتمال، «من کل فرقه» را می گویم یعنی «من کل قبیله من قبائل المدينة» و کاری به شهرهای دیگر نداریم. آیه در این احتمال می گوید چرا از قبایل متعددی که در مدینه وجود دارند، از هر قبیله ای جماعتی بروند برای جنگ؛ در نتیجه، عده ای در مدینه باقی بمانند و عده ای دیگر بروند برای جهاد. آن وقت کسانی که در مدینه باقی می مانند، خدمت رسول خدا تفقه در دین کنند و احکام را یاد بگیرند. و سپس اینان افرادی را که برای جهاد کوچ کردند، وقتی از جهاد برمی گردند آنها را انذار کنند. فاعل «لیتفقّھوا و لینذروا» کسانی هستند که در مدینه نزد پیامبر (ص) باقی ماندند. «لعلّهم یحذرون» یعنی آنها بر خلاف آنچه که باقیین می آیند می گویند، عمل نکنند؛ و بر طبق کلام آنها عمل کنند. بنابراین، در این احتمال تفقه به معنای تعلیم احکام دین و فرایض و سنن است که اینها را از پیامبر یاد بگیرند. یک روایتی هم از امام باقر (ع) در ذیل این آیه آمده است که دلالت بر همین معنا دارد.

حضرت فرموده: **كان هذا حين كثر الناس فأمرهم الله أن تنفر منهم طائفة و تقيم طائفة للتفقه و أن يكون الغزو نوبا** این آیه زمانی بوده که عده مسلمان ها زیاد شده است. خداوند امر کرد که عده ای در مدینه برای تفقه بمانند و عده ای برای جنگ و جهاد بروند؛ و جند هم نوبه ای باشد. یعنی يك عده ای می رفتند برای جنگ برگشتند؛ اینها بمانند در مدینه نزد پیامبر و کسانی که قبلاً مانده بودند حالا برای جهاد بروند. در تفسیری از ابن عباس هم نظیر همین معنا آمده است. **احتمال دوم**: این است که باز مراد از فرقه، فرقه ای از اهل مدینه است؛ اما فاعل «لیتفقّھوا و لینذروا» باقیین در مدینه نیست؛ فاعل در «لیتفقّھوا» یعنی کسانی که رفتند برای نفر، اینها تفقه کنند. آدم هایی که می روند برای جهاد، تفقه کنند؛ و تفقه به معنای ازدیاد بصیرت در دین است؛ آنهایی که می روند برای جنگ، امدادهای غیبی را در جبهه می بینند، عنایات خداوند تبارک و تعالی را می بینند، نصرت الهی را می بینند. معنای تفقه همین است؛ یعنی یقینشان در دین زیاد می شود. و همین هایی که از جهاد بر می گردند انذار کنند. پس، فاعل «لینذروا» کسانی است که از جهاد برمی گردند که اینها باقی مانده های در مدینه را انذار کنند. انذار هم به این نیست که بروند مسلمان ها را انذار کنند؛ مسلمان ها دیگر مسلمان هستند؛ بلکه آن قومشان که هنوز بر کفر باقی مانده اند را انذار می کنند؛ یعنی به آنها خبر می دهند که خداوند در این جنگ چه عنایتی کرد، چه نصرتی کرد، و به آنها می گویند: اینها طاقت ندارند که با پیامبر جنگ کنند - **وإنهم لا يدان لهم** (یدان، فعل نیست؛ تنثیه هم نیست؛ بلکه اسم و به معنای طاقت است) **بقتال النبي** - بیایند به قومشان بگویند ما رفتیم جنگ و برگشتیم؛ شماها دیگر بی خود بر کفر باقی نمانید؛ فکر نکنید که می توانید با پیامبر مقاتله ای داشته باشید. در این صورت، معنای «لعلّهم یحذرون» این می شود که اینها دیگر می ترسند برون با پیامبر جنگ کنند.

این قول را ابومسلم قائل شده و گفته است: در این قول **اجتمع للنافرة ثواب الجهاد والتفقه في الدين و انذار قومهم** ثواب سه چیز برای نافرین است؛ یکی جهاد، یکی هم تفقه در دین، و دیگری انذار قوم. این دو احتمال با احتمال اولی که در مورد صدر آیه بیان کردیم، سازگاری دارد. **احتمال سوم**، که این احتمال روی احتمال دوم در صدر آیه معنا دارد - احتمال دوم در صدر آیه این بود که همه مؤمنین برای طلب علم به مدینه کوچ نکنند. - در این احتمال، مراد از «من کل فرقه» جماعتی از اهل مدینه نیست؛ بلکه همه ای شهرها را می گیرد؛ می گوید از شهرهای دیگر لازم نیست همه بلند بشوند بیایند مدینه؛ بلکه از هر فرقه ای طایفه ای بیایند مدینه برای تفقه در دین. در نتیجه، مراد از «نفر» در این احتمال، دیگر جهاد نیست؛ و بلکه مراد کوچ علمی و نفر برای طلب علم است. اینها می آیند مدینه علم را از پیامبر یاد بگیرند، تفقه در دین کنند، و بعد، برگردند به قومشان و آنها را انذار کنند. این سه احتمال که در این آیه شریفه داده شد.

بیان مرحوم علامه طباطبائی در مورد آیه

از کلمات مرحوم علامه طباطبائی (رض) احتمال چهارمی داده می‌شود. ایشان می‌فرمایند: از مجموع آیه - یعنی صدر و ذیل - استفاده می‌شود که خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید سایر بلاد لازم نیست همه‌شان بروند برای جهاد ایشان (وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا ۚ كَافَّةً ۚ) را به نفر الی جهاد معنا فرموده است؛ و (فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ...) را به نفر علمی تعبیر و تفسیر فرموده است؛ و این‌طور نتیجه می‌گیرند که خداوند در این آیه شریفه می‌فرماید هر شهری باید دو گروه بشوند؛ یک گروه باید بروند برای جهاد و یک گروه دوم هم باید بروند مدینه برای تفقه در دین. بیان ایشان این است که این آیه در سیاق آیات جهاد واقع شده است و دیروز هم عرض کردم ایشان خیلی نسبت به مسئله‌ی سیاق تکیه و توجّه دارند. فرموده‌اند: لایجوز لمؤمن البلاد أن یخرجوا إلى الجهاد جميعاً مؤمنین بلاد جایز نیست همه‌شان بروند برای جهاد؛ فهلاً نفر وخرج إلى النبی طائفة من کل فرقة من فرق المؤمنین لیتحققه الفقه والفهم فی الدین فیعملوا به لانفسهم و لینذروا بنشر معارف الدین و ذکر آثار المخالفة لاصوله وفروعه قومهم إذا رجعت هذه الطائفة إلیهم ایشان می‌فرمایند چون قرینه‌ی سیاق وجود دارد، باید (وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا ۚ كَافَّةً ۚ) را به جهاد معنا کنیم. ما باشیم و صدر آیه مفهوم صدر آیه چیست؟

یعنی گروهی برای جهاد بروند. (فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ...) یعنی گروه دیگری هم بروند مدینه برای تفقه در دین؛ و برای اینکه وقتی بر می‌گردند قومشان را انذار کنند. ایشان فرموده‌اند: از آیه استفاده می‌کنیم که جهاد برای طلاب علوم دینی واجب نیست؛ طلاب علوم دینی و کسی که دنبال طلب علم دین است، نفر الی جهاد برای او واجب نیست. **النفر إلى الجهاد موضوع** یعنی مرفوع عن طلبة العلم الدینی. یعنی ایشان یک نکته‌ی فقهی را استفاده فرموده‌اند؛ می‌فرمایند ما باشیم و این آیه شریفه، آیه شریفه یکی از گروه‌هایی که جهاد را از آنها استثنا کرده است، طلاب علوم دینی است. (این توضیحی است که من عرض می‌کنم) و آنهایی که دارند دین را فرا می‌گیرند برای اینکه به مردم یاد بدهند. ایشان می‌فرمایند این احتمال که بگوییم یک عده‌ای در مدینه باقی بمانند تفقه کنند و آنهایی که رفتند جهاد، آنها را انذار کنند؛ خیلی بعید است. این احتمال هم که بگوییم آنهایی که رفتند جهاد، بیایند کسانی را که در شهرشان و در مدینه باقی ماندند را انذار کنند، این هم بعید است. این احتمال هم که بگوییم مراد نفر علمی است؛ خدا می‌فرماید همه لازم نیست بروند برای طلب علم، این هم بعید است. آنچه منساق از این آیه شریفه است، این است که صدر آیه می‌گوید همه برای جهاد نروند؛ و بقیه آیه می‌فرماید یک گروهی هم برای تفقه بروند.

بعد می‌فرمایند مراد از تفقه در اینجا، تفقه جمیع معارف دینی از اصول و فروع است؛ و مراد تفقه اصطلاحی، یعنی علم به احکام شرعی از روی ادله تفصیلیه نیست. می‌فرماید دلیل ما بر این مدعا کلمه‌ی «لِيُنْذِرُوا ۚ» است که با تفقه در جمیع دین سازگاری دارد. حالا اگر کسی از شهرش برود خدمت پیامبر ده مسئله یاد بگیرد و بیاورد بگوید، این با انذار سازگاری ندارد؛ اما اگر کسی رفت مسائل مربوط به توحید، نبوت، معاد و امامت را یاد گرفت، این آدم می‌تواند قوم خودش را انذار کند. این هم نظری که ایشان در اینجا ذکر فرمودند. در مورد احتمال احتمال سوم که گفتیم (وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا ۚ كَافَّةً ۚ) مراد نفر برای طلب علم است، همه لازم نیست بروند برای طلب علم؛ بلکه یک گروه برای تفقه بروند. این عبارت در بعضی از تفاسیر آمده است که اولاً چرا به این می‌گویند «نفر»؟ کسی که بلند می‌شود از شهرش به مدینه می‌آید، چرا برایش می‌گویند نفر؛ در حالی که در معنای نفر الی جهاد اشراب شده است؟. گفته‌اند این هم نوعی از مجاهده با دشمنان دین است. نکته‌ای را که می‌خواهم عرض کنم این است که در آن تفسیر آمده است: **قال القاضي أبو عاصم وفي هذا دليل على الاختصاص الغربية بالتفقه** از این استفاده می‌شود که تفقه اختصاص به غربت دارد **وإن الإنسان يتفقه في الغربية** انسان در غربت است که می‌تواند فقیه بشود **ما لا يمكنه في الوطن** تفقهی که در وطن برای او امکان ندارد، اما در غربت برای او محقق می‌شود. پس، مجموعاً با آنچه که مرحوم علامه‌ی طباطبائی (رض) فرمودند، چهار احتمال در آیه بیان شد. حالا شما در این چهار احتمال دقت کنید؛ و چون کلام خدا هست، حتماً از خداوند هم استمداد بجوید که ذهن شما را راهنمایی بکند؛ نگوییم خودمان می‌فهمیم؛ نگوییم خودمان قدرت ذهنی بالایی داریم. ببینیم خداوند چه چیزی را در دل انسان قرار می‌دهد از میان این احتمالات؛ و اصلاً شاید یک معنای وسیع‌تری غیر از این چهار احتمالی که در اینجا ذکر شده است، بتوانیم بیان کنیم. ان شاء الله روز شنبه خدمت می‌رسیم. و صلی الله علی سیدنا

